



تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۳

کنکاش در عملکرد خانواده: مقایسه موقعیت فرهنگی - اجتماعی، سبک‌های والدگری، انسجام و عملکرد خانواده، قابلیت‌های درون فردی و بین فردی در دانش‌آموزان دختر و پسر

یگانه عزیزی *

چکیده

پژوهش حاضر تفاوت بین دختران و پسران را در سبک‌های والدگری، موقعیت فرهنگی - اجتماعی، انسجام و گسستگی خانواده در راستای ارتقای قابلیت‌های درون فردی و بین فردی فرزندان در یک گروه از دانش‌آموزان مقطع متوسطه بررسی کرد. شرکت‌کنندگان ۳۸۱ دانش‌آموزان شهر کرمانشاه در محدوده سنی ۱۴ تا ۱۸ سال بودند، که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه عملکرد خانواده (FFS برنارد، ۱۹۸۵) و آزمون هوش هیجانی بار - آن (Bar - on، ۱۹۸۰) پاسخ دادند. نتایج نشان داد در خرده مقیاس‌های خانواده مستبد، گسستگی، بهم تنیدگی، بیانگری و همبستگی بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد و این تفاوت‌ها در سه مورد نخست به نفع دختران و در دو مورد دوم به نفع پسران است. در مهارت‌های هوش هیجانی تفاوت بارزی بین نمرات دختران و پسران دیده نشد، اگر چه در ابراز وجود تفاوت اندکی در نمرات به نفع دختران دیده شد. به طور کلی؛ به نظر می‌رسد تدارک برنامه‌هایی برای آموزش عملکرد مناسب به اعضای خانواده می‌تواند به بهبود هوش هیجانی و کیفیت زندگی آنان کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی: عملکرد خانواده، هوش هیجانی، جنسیت، قابلیت‌های فردی، مهارت‌های اجتماعی

مقدمه

هیچ بستری از نظر قدرت و گستره تأثیر با خانواده برابری نمی‌کند. خانواده بین افراد پیوندهایی برقرار می‌کند که منحصر به فرد هستند. فرزندان در خانواده، زبان، مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و فرهنگ خود را می‌آموزند و افراد در تمام سنین برای دریافت اطلاعات، کمک و تعامل جالب و لذت بخش به اعضای خانواده رو می‌آوردند (پارک و بوریل، ۱۹۹۸ به نقل از برک، ۱۳۸۷). از آنجا که خانواده و روابط پویای درون آن اساسی‌ترین و نخستین زمینه‌های روانی، اجتماعی و زیستی در رشد افراد می‌باشد، عملکرد خانواده - توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف محافظت از کل نظام خانواده (پورتس و هاول، ۱۹۹۲؛ به نقل از کرامتی، مرادی و کاوه، ۱۳۸۴) - از مهم‌ترین متغیرهای موثر بر رفتار نوجوانان است.

عملکرد خانواده به ویژگی‌های ساختاری و اجتماعی محیط خانواده اشاره دارد که در برگزیده تعاملات و روابط درون خانواده، سطوح تعارض و پیوستگی، سازگاری، سازماندهی و کیفیت روابط است (آلدرفر و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از لئوندوسکی، پالمو، استینسون، هندلی و چمبرز، ۲۰۱۰). عملکرد خانواده (بلوم، ۱۹۸۵) را می‌توان به ۴ مولفه اساسی شامل انسجام (همبستگی، بیانگری، سازماندهی، آرمان خانوادگی و جامعه پذیری)، گسستگی (گسستگی، تعارض، منبع کنترل بیرونی، به هم تنیدگی)، موقعیت فرهنگی - اجتماعی (موقعیت فرهنگی. موقعیت‌های سرگرمی و تاکیدات مذهبی) و سبک‌های والدگری (مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌انگارانه) تقسیم کرد. این احتمال وجود دارد که عملکرد خانواده در ارتباط با فرزندان دختر و پسر متفاوت باشد، برای مثال، راسل (۱۹۹۹) در پژوهش خود نشان داد که والدین در مورد دختران از سبک والدگری مقتدرانه و در مورد پسران از سبک والدگری مستبدانه یا سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، همچنین، هارت، نیوول و اولسن (۲۰۰۳) نشان دادند که به سبب ویژگی‌های خاص پسران نظیر سطح بالای جنب و جوش و رفتارهای پرخاشگرانه، گرایش والدین پسران در مقایسه با والدین دختران در برخورد به شیوه مستبدانه بیشتر است (لورابراگ، ۱۳۸۷).

مطابق با پژوهش رضوان خواه (۱۳۸۸) بر اساس نوع بافت اجتماعی - فرهنگی جامعه ما، والدین به فرزندان پسر اجازه می‌دهند از استقلال بیشتری برخوردار باشند و برعکس دختران بیشتر از پسران وابسته به والدین تربیت می‌شوند، شاید به همین علت جهت‌گیری مذهبی دختران قوی‌تر از پسران است (لونتال، مکلود، گولدبلات، لابیثش و والننن، ۲۰۰۲)، به عبارتی، شاید تاکیدات مذهبی در خانواده دختران را بیشتر از پسران تحت تاثیر قرار می‌دهد. با این همه، شواهد پژوهشی اندکی وجود دارد که تفاوت در ۴ مولفه عملکرد خانواده را در فرزندان دختر و پسر بررسی کرده باشند.

از سوی دیگر، عملکرد خانواده و نحوه تعاملات افراد خانواده بر هدایت و تنظیم هیجانات فرزندان تاثیرگذار است. گاتمن در پژوهش ۱۰ ساله خود، در بررسی والدین و فرزندان آنها و روند رشد آنان، با گروهی از والدین مواجه شد که در موقع بروز هیجان در فرزندان خود با رعایت نکاتی بسیار ساده مسیر رشد و تحول را در فرزندان خود تسهیل و هدایت نموده و فرزندان تربیت نموده‌اند که از توانمندی‌های عمومی بیشتری در حوزه هیجان‌اتشان برخوردار بودند. این فرزندان سریع‌تر از سایرین می‌توانستند در مواقع ناراحتی خود را آرام کنند، با دیگران رابطه بهتر برقرار می‌کنند، حتی در موقعیت‌های اجتماعی دشوار بهتر از بقیه خود را کنترل می‌کنند، مردم را بهتر درک می‌کنند، روابط دوستانه بهتری با دوستانشان دارند و در مدرسه از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردارند. گاتمن این امتیاز ویژه را هوش هیجانی^۱ می‌نامد (گاتمن، ترجمه بلوچ، ۱۳۹۱). در این میان به سبب تاثیر عملکرد خانواده بر هوش هیجانی (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴؛ تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷؛ وانگ، درفو، وانگ و وونگ، ۲۰۰۷) شاید تفاوت در نوع عملکرد والدین در ارتباط با فرزندان دختر و پسر موجب تفاوت در مهارت‌های هوش هیجانی آنها نیز شود. از این رو، بررسی تفاوت‌های دختران و پسران در مهارت‌های هوش هیجانی دانش بیشتری را برای ما در خصوص نحوه تاثیر عملکرد خانواده بر فرزندان با توجه به جنسیت آنها فراهم می‌کند.

بنابر اعتقاد بار-آن هوش هیجانی شامل توانایی‌ها و مهارت‌های غیر شناختی است که باعث

فایق آمدن فرد بر فشارها و نیازهای محیط و موجب تطابق فرد در زندگی می‌شود. ماير و سالووی (۱۹۹۷) در آخرین تجدید نظر خود، هوش هیجانی را توانایی دریافت، ابراز، شناخت، کاربرد و مدیریت هیجان‌ها در خود و دیگران تعریف کرده‌اند (تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷). در متون مشهور بیشتر به وجود تفاوت جنسیتی از نظر هوش هیجانی اشاره می‌شود و غالباً زنان و دختران را دارای هوش هیجانی بالاتر می‌دانند.

برای مثال، ملایی، آسایش، تقوی کیش و قربانی (۱۳۹۰) در بررسی هوش هیجانی نشان دادند دختران هوش هیجانی بالاتری نسبت به پسران داشتند و همچنین مولفه‌های خود کنترلی، خودآگاهی و هوشیاری اجتماعی هوش هیجانی نیز در دختران به طور معناداری بالاتر بود. بدین ترتیب برخورد عاطفی تر زنان با مسایل، توجه بیشتر آنان به علایم اجتماعی ظریفی که نشان‌دهنده نیازها یا خواسته‌های دیگران است، برخورداری از احساس همدلی بیشتر و بالاخره مهارت آنان در ادراک، تنظیم و استفاده از هیجان‌ات برای ایجاد روابط اجتماعی (بیسسر، ۲۰۱۱) می‌تواند از جمله عواملی باشد که به برتری نمره هوش هیجانی زنان نسبت به مردان کمک می‌کند.

حکیم جوادی (۱۳۸۳) در بررسی خود نشان داد که دختران در خصوصیات مانند مواجهه، حرمت خود، خودشکوفایی و سازه هوش هیجانی بالاتر از پسران هستند. به عبارت دیگر دختران در هنگام دشواری، مقابله و حل مشکلات بهتر از پسران عمل می‌کنند. علاوه بر این دختران توان روابط بین فردی بیشتر و مستحکم‌تری نسبت به پسران دارند، بشارت و همکاران (۱۳۸۵)، آدیمو (۲۰۰۸) و دیوید، ونروی و چاکلینگام (۲۰۰۴) نیز دریافتند که میزان هوش هیجانی دختران بیش از پسران است. در مطالعه دیگری (عسگری و روشنی، ۱۳۹۱) نشان داده شد که زنان در مقایسه با مردان سازگارتر هستند، در تبیین این تفاوت بین دختران و پسران می‌توان رشد اجتماعی زنان، اجتناب از تنهایی و انزوا در آنان، تمایل به کسب مقبولیت اجتماعی و تمایل آنها به برقراری ارتباط نزدیک و صمیمی با دوستان و خانواده، به منظور کسب حمایت آنها (کتل، ۱۹۹۸)، را از جمله عوامل موثر بر سازگاری بیشتر زنان نسبت به مردان دانست (عسگری و روشنی، ۱۳۹۱).

در مقابل، صبری، البرزی و بهرامی (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان رابطه الگوهای

ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی بین میانگین دختران و پسران در هوش هیجانی تفاوت معناداری را به دست نیاوردند. همچنین در پژوهش داوودی و شکرالهی (۱۳۹۰) و اکبری، رضاییان و مودی (۱۳۸۶) تفاوت معناداری بین هوش هیجانی دختران و پسران آشکار نشد.

با توجه به مطالب بالا، در مورد تفاوت بین دخترها و پسرها در مولفه‌های عملکرد خانواده و مهارت‌های هوش هیجانی شواهد روشن و دقیقی وجود ندارد. از این رو، سوالی اصلی پژوهش حاضر این بود که آیا بین دخترها و پسرها در سبک والدگری، موقعیت فرهنگی - اجتماعی، انسجام و گسستگی خانواده، قابلیت‌های درون فردی و قابلیت‌های بین فردی تفاوتی وجود دارد؟

روش

شرکت کنندگان این مطالعه شامل کلیه دانش‌آموزان رشته‌های تحصیلی (دختر و پسر) دوره متوسط نظری، مهارتی و پیش‌دانشگاهی شهر کرمانشاه (۵۱۰۰۰ نفر) که در سال ۹۰-۹۱ مشغول به تحصیل بودند میشد که در محدوده سنی ۱۴ تا ۱۸ سال با میانگین سنی ۱۶/۷۹ و انحراف استاندارد ۰/۹۶ قرار داشتند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۸۱ نفر برآورد شد و نمونه‌گیری در این مطالعه به شیوه خوشه‌ای صورت پذیرفت (۴۰۰ نفر، ۲۰۰ نفر دختر، و ۲۰۰ نفر پسر)، بدین صورت که در مرحله اول از مدارس سه ناحیه آموزش و پرورش، مدارس (شامل مدارس دخترانه و پسرانه) انتخاب، و در نهایت تمام کلاس‌های این مدارس به عنوان نمونه انتخاب شد.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تحصیلات والدین شرکت کنندگان بین بی سواد و فوق لیسانس بوده است. همچنین با توجه فراوانی‌های بدست آمده نشان می‌دهد که ۷۵/۸۰ درصد از پدران شرکت کنندگان و ۸۵/۵۰ درصد از مادران تحصیلاتی کمتر از دیپلم دارند و در حدود ۲۵ درصد از پدران دارای تحصیلاتی بیشتر از دیپلم هستند در حالی که تنها ۱۵ درصد از مادران دارای تحصیلاتی بیشتر از دیپلم هستند. علاوه بر این از نظر اعضاء خانواده

والدین شرکت کنندگان دارای یک تا ۱۲ فرزند هستند که تقریباً ۲۷ درصد از شرکت کنندگان دارای تعداد فرزندی کمتر از پنج فرزند بودند، ۷۰ درصد از شرکت کنندگان دارای تعداد فرزند کمتر از شش نفر هستند، همچنین هشتاد درصد از افراد کمتر از هفت فرزند، و ۹۱ درصد کمتر از هشت فرزند دارند.

ابزار

مقیاس عملکرد خانواده: این مقیاس جهت ارزیابی عملکرد نظام درونی خانواده به کار می‌رود (بلوم، ۱۹۸۵). مقیاس عملکرد خانواده دارای ۷۵ عبارت توصیفی درباره ویژگی‌های خانواده است که دارای چهار مولفه و پانزده خرده مقیاس می‌باشد. این چهار خرده مولفه که شامل سبک والدگری (سبک خانواده آزاد منش، سبک خانواده بی قید و بند، و سبک خانواده مستبد)، گسستگی (گسستگی، منبع کنترل بیرونی، تعارض و بهم تنیدگی)، انسجام (همبستگی، بیانگری، سازماندهی، جامعه پذیری، و آرمان خانوادگی) و موقعیت فرهنگی- اجتماعی (موقعیت فرهنگی، موقعیت سرگرمی، و تاکیدات مذهبی) خانواده می‌شود در یک طیف چهار گزینه‌ای (هرگز، گاهی اوقات، معمولاً و همیشه) از یک تا چهار نمره‌گذاری می‌شود. روایی این آزمون در مطالعات گذشته بررسی شده است، و اعتبار این آزمون در مطالعه اسلامی (۱۳۸۰) از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۷۸ گزارش شده است. اعتبار این مقیاس در پژوهش حاضر از روش همسانی درونی به شیوه آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای کل مقیاس مقدار همسانی درونی برابر با ۰/۷۳ بود.

مقیاس هوش هیجانی بار - آن: آزمون هوش هیجانی یکی از آزمون‌های نگرشی می‌باشد که در واقع در جهت پاسخ‌گویی به این سوال که چرا بعضی مردم نسبت به بعضی دیگر در زندگی موفق‌ترند ساخته شد (بار-آن، ۱۹۸۰). این آزمون دارای ۹۰ سوال است که شامل پنج مولفه با پانزده خرده مقیاس می‌باشد. این پنج مولفه که شامل درون فردی (خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، عزت نفس، خودشکوفایی، استقلال)، بین فردی (همدلی، مسئولیت پذیری، روابط بین فردی)، قابلیت سازگاری و انطباق (حل مسئله، واقع‌گرایی، انعطاف پذیری)، مدیریت فشار روانی (تکانش فشار روانی و کنترل تکانش)، خلق کلی (خوشبینی

و شادمانی) می‌شود. می‌توان این پنج مولفه را در دو سازه کلی‌تر قابلیت‌های درون فردی (شامل مهارت‌های درون فردی، مدیریت فشار روانی و خلق کلی) و قابلیت‌های بین فردی (شامل مهارت‌های بین فردی و قابلیت سازگاری و انطباق) تقسیم‌بندی کرد. سوالات آزمون هوش هیجانی بر روی یک طیف ۵ درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. در پژوهش‌های گذشته اعتبار این مقیاس از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است (دهشیر، ۱۳۸۱). در این مطالعه نیز برای محاسبه ی اعتبار از روش همسانی درونی به شیوه آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن از این روش برابر با ۰/۹۴ بود.

شیوه اجرا

جمع آوری داده‌ها بدین صورت انجام شد که در شروع کلاس پس از معارفه پژوهشگر با دانش‌آموزان، معلم کلاس درس را به مدت یک ساعت ترک می‌کرد. جهت اجرای پژوهش به دانش‌آموزان هدف از پژوهش حاضر به صورت مختصر بیان شد و سپس گفته شد که این آزمون‌ها هیچ تاثیری در نمرات آموزشی آنها ندارد. همچنین قابل ذکر است که در حین پاسخ دهی هیچ یک از شرکت کنندگان با دیگری صحبت نمی‌کرد. با توجه به شرایط تحصیلی و زمانبندی کلاس‌های دانش‌آموزان هر دو پرسشنامه در یک مرحله و ابتدا پرسشنامه شماره یک (هوش هیجانی بار-آن) و پس از پذیرایی و اهداء بسته‌هایی از سوی محقق به دانش‌آموزان پرسشنامه عملکرد خانواده بلوم توزیع و توسط دانش‌آموزان پاسخ داده شد. مدت زمان پاسخ‌گویی به هر دو پرسشنامه به طور متوسط در حدود ۳۰ دقیقه به طول کشید. مدت زمان گردآوری داده‌ها به طور کلی نیز حدود دو ماه به طول انجامید.

نتیجه‌گیری

جهت بررسی تفاوت دو گروه دختران و پسران در مولفه‌های هوش هیجانی و عملکرد خانواده در ابتدا آماره‌های توصیفی این دو متغیر در جدول ۱ تفکیک شده است. برای بررسی تفاوت مولفه‌های هوش هیجانی و عملکرد خانواده در بین دختران و پسران نرمال بودن توزیع داده‌ها در دو گروه از طریق آزمون نرمال بودن (کالموگروف اسمیرنوف) بررسی شد که

نشان داد توزیع داده‌ها نرمال است. همچنین همگنی واریانس از طریق آزمون لوین صورت پذیرفت که نتایج بدست آمده نشان داد تفاوت معنادار و بارزی در بین واریانس‌های دو گروه دختران و پسران وجود نداشت، بدین معنا که واریانس‌ها همگن هستند. علاوه بر این انحراف استانداردهای گزارش شده در جدول ۱ نیز نشان می‌دهد که نسبت دو واریانس به یکدیگر تقریباً برابر است و این نیز همگنی واریانس‌ها را تأیید می‌کند.

▼ جدول ۱. آماره‌های توصیفی دو گروه دختران و پسران در خرده مقیاس‌های هوش هیجانی و عملکرد خانواده

پسر		دختر		عملکرد خانواده	پسر		دختر		هوش هیجانی
SD	M	SD	M		متغیر	SD	M	SD	
۳/۰۱	۱۵/۱۱	۳/۱۴	۱۵/۰۳	سبک خانواده آزاد منش	۰/۶۳	۳/۴۴	۰/۵۷	۳/۴۳	خودآگاهی هیجانی
۲/۳۸	۱۱/۷۸	۲/۲۰	۱۱/۸۵	سبک خانواده بی قید و بند	۰/۶۱	۳/۲۵	۰/۵۳	۳/۳۵	ابراز وجود
۲/۸۱	۱۲/۳۳	۲/۵۳	۱۱/۷۰	سبک خانواده مستبد	۰/۶۲	۳/۷۲	۰/۵۶	۳/۶۹	عزت نفس
۲/۷۶	۹/۹۸	۲/۷۸	۹/۷۸	تعارض	۰/۶۴	۳/۷۰	۰/۶۲	۳/۶۱	خودشکوفایی
۲/۶۸	۹/۸۶	۲/۴۶	۹/۷۱	منبع کنترل بیرونی	۰/۶۱	۳/۵۵	۰/۶۴	۳/۵۴	استقلال
۲/۶۱	۱۱/۳۱	۲/۳۱	۱۰/۳۲	گسستگی	۰/۵۳	۳/۹۸	۰/۵۱	۳/۹۷	همدلی
۲/۸۴	۱۳/۱۰	۲/۷۸	۱۲/۵۴	بهم تنیدگی	۰/۵۶	۴/۰۳	۰/۵۴	۳/۹۹	مسئولیت پذیری
۲/۵	۱۷/۵۷	۲/۶۹	۱۷/۱۳	همبستگی	۰/۶۹	۳/۸۷	۰/۶۱	۳/۸۵	روابط بین فردی
۲/۷۹	۱۵/۹۵	۳/۲۱	۱۵/۳۵	بیانگری	۰/۵۴	۳/۷۰	۰/۵۱	۳/۶۸	حل مسئله
۲/۸۰	۱۶/۵۳	۳/۱۸	۱۶/۱۴	سازماندهی	۰/۵۹	۳/۲۵	۰/۵۸	۳/۱۹	واقع گرایی
۲/۸۰	۱۶/۵۸	۲/۵۷	۱۶/۹۷	جامعه پذیری	۰/۵۴	۳/۳۹	۰/۵۶	۳/۳۷	انعطاف پذیری
۲/۹۳	۱۵/۲۳	۳/۴۱	۱۵/۲۶	آرمان خانوادگی	۰/۵۵	۳/۱۷	۰/۴۸	۳/۱۹	تحمل فشار روانی

پسر		دختر		عملکرد خانواده	پسر		دختر		هوش هیجانی
SD	M	SD	M		متغیر	SD	M	SD	M
۳/۰۹	۱۳/۸۷	۳/۵	۱۳/۴۶	موقعیت‌های فرهنگی	۰/۸۱	۳/۰۳	۰/۷۳	۳/۰۵	کنترل تکانش
۳/۱۶	۱۲/۷۹	۳/۳۲	۱۳/۲۴	موقعیت‌های سرگرمی	۰/۵۹	۳/۶۷	۰/۵۹	۳/۶۸	خوش بینی
۲/۴۷	۱۷/۲۸	۳/۳۸	۱۷/۰۱	تاکیدات مذهبی	۰/۶۸	۳/۸۵	۰/۵۴	۳/۸۹	شادمانی

نکته: M میانگین-SD انحراف استاندارد، تعداد دختران=۲۰۰، تعداد پسران ۲۰۰

تفاوت در مولفه‌های عملکرد خانواده

عملکرد خانواده نیز شامل چهار مولفه ی سبک والدگری (سبک خانواده آزاد منش، سبک خانواده بی قید و بند، و سبک خانواده مستبد)، گسستگی (گسستگی، منبع کنترل بیرونی، تعارض و بهم تنیدگی)، انسجام (همبستگی، بیانگری، سازماندهی، جامعه پذیری، و آرمان خانوادگی)، موقعیت فرهنگی-اجتماعی (موقعیت فرهنگی، موقعیت سرگرمی، و تاکیدات مذهبی) است که برای بررسی تفاوت بین دختران و پسران هر مولفه از روش تحلیل واریانس چند متغیری آزمون شد.

همچنین قابل ذکر است که پس از گزارش نتایج آزمون چند متغیری در ادامه تک تک خرده مقیاس‌ها نیز به صورت تک متغیری بررسی شده است، و از آنجایی که آزمون چند متغیری سعی در کاهش خطای نوع اول دارد آزمون‌های تک متغیری از این موضوع ناتوانند. برای همین لازم به توجه هست که هر کدام از آزمون‌های تک متغیری به عمل آمده که از سطح ۰/۰۵ کمتر است همیشه به معنی معناداری آماری نیست. چرا که در آزمون‌های تک متغیری بسته به تعداد متغیر سطح معناداری تقسیم می‌شود. برای مثال اگر در یک آزمون چند متغیری پنج مولفه وجود داشته باشد، در هنگام محاسبه به صورت تک متغیری سطح معناداری ۰/۰۵ بر تعداد متغیرها تقسیم شده که برابر ۰/۰۱ است، بنابراین اگر در آزمون

تک متغیری سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ باشد بین دو گروه تفاوت وجود دارد، که به این تصحیح خطای نوع اول، تصحیح بونفرونی گفته می‌شود.

اولین مولفه ی عملکرد خانواده شامل سبک والدگری بود که نتایج آزمون چند متغیری اثر پیلایی با ارزش ۰/۰۱، مقدار $F_{(۳, ۳۹۶)} = ۰/۹۷$ و سطح معناداری $p/۱۲ = ۰$ ، نشان داد که بین دو گروه تفاوت معناداری در این مولفه وجود ندارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس تک متغیری نیز نشان داد بین دو گروه دختران و پسران در بین خرده مقیاس‌های سبک خانواده آزاد منش ($p/۸۰ = ۰$)، $F_{(۱, ۳۹۸)} = ۰/۰۷$ ، سبک خانواده بی قید و بند ($p/۷۸ = ۰$)، $F_{(۱, ۳۹۸)} = ۰/۰۸$ ، و سبک خانواده مستبد ($p/۰۲ = ۰$)، $F_{(۱, ۳۹۸)} = ۵/۵۶$ ، تفاوت معناداری وجود ندارد^۱.

دومین مولفه عملکرد خانواده گسستگی است که نتایج آزمون چند متغیری اثر پیلایی با ارزش ۰/۰۵، مقدار $F_{(۳, ۳۹۶)} = ۵/۰۵$ و سطح معناداری $p/۰۰۱ = ۰$ ، نشان داد که بین دو گروه تفاوت معناداری در این مولفه وجود دارد. پس از معناداری آزمون چند متغیری تحلیل واریانس، از طریق آزمون تحلیل واریانس تک متغیری بررسی شد تا مشخص شود تفاوت معنادار در بین کدام یک از خرده مقیاس‌های گسستگی است. نتایج آزمون تحلیل واریانس تک متغیری نیز نشان داد بین دو گروه دختران و پسران در خرده مقیاس گسستگی ($p/۰۰۱ = ۰$)، $F_{(۱, ۳۹۸)} = ۱۶/۳۴$ ، بین دو گروه دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. بین خرده مقیاس‌های منبع کنترل بیرونی ($p/۵۵ = ۰$)، $F_{(۱, ۳۹۸)} = ۰/۳۶$ ، تعارض ($p/۴۷ = ۰$)، $F_{(۱, ۳۹۸)} = ۰/۵۲$ ، و بهم تنیدگی ($p/۰۵ = ۰$)، $F_{(۱, ۳۹۸)} = ۳/۸۹$ ، تفاوت معناداری از نظر آماری بین دو گروه دختران و پسران وجود نداشت.

انسجام سومین مولفه عملکرد خانواده است که نتایج آزمون چند متغیری اثر پیلایی با ارزش ۰/۰۴، مقدار $F_{(۳, ۳۹۶)} = ۳/۱۶$ و سطح معناداری $p/۰۸ = ۰$ ، نشان داد بین دختران و پسران تفاوت معناداری از نظر آماری در این مولفه وجود ندارد. نتایج تحلیل واریانس تک متغیری نیز تأیید کرد که بین دو گروه در همبستگی ($p/۰۹ = ۰$)، $F_{(۱, ۳۹۸)} = ۲/۸۷$ ،

۱. از آنجایی که تعداد متغیرهای وابسته شامل سه متغیر است سطح معناداری ۰/۰۵ به ۳ متغیر وابسته تقسیم می‌شود تا خطای نوع اول را کنترل کند، که برابر با ۰/۰۱۶ می‌شود، بنابراین هر سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱۶ است از نظر آماری معنادار است و نشان دهنده تفاوت بین گروه‌ها است.

بیانگری ($F=4/05$ ، $p=0/05$)، سازماندهی ($F=1/74$ ، $p=0/19$)، جامعه پذیری ($F=2/11$ ، $p=0/15$)، و آرمان خانوادگی ($F=0/01$ ، $p=0/93$)، تفاوت معناداری از نظر آماری وجود ندارد.

آخرین مولفه ی عملکرد خانواده موقعیت فرهنگی-اجتماعی بود که در این مولفه نیز نتایج آزمون چند متغیری اثر پیلایی با ارزش $0/015$ ، مقدار $F=1/99$ ، $F=394/4$ و سطح معناداری $p=0/11$ ، نشان داد بین خرده مقیاس‌های موقعیت فرهنگی-اجتماعی در بین دو گروه دختران و پسران تفاوت معناداری از نظر آماری وجود ندارد. همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس تک متغیری نیز نشان داد در موقعیت فرهنگی ($F=1/55$ ، $p=0/22$)، موقعیت سرگرمی ($F=1/89$ ، $p=0/17$)، و تاکیدات مذهبی ($F=1/24$ ، $p=0/27$)، بین دو گروه دختران و پسران تفاوت معناداری از نظر آماری وجود ندارد.

تفاوت در مهارت‌های هوش هیجانی

همانگونه که بیان شد هوش هیجانی شامل پنج مولفه ی درون فردی (خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، عزت نفس، خودشکوفایی، استقلال)، بین فردی (همدلی، مسئولیت پذیری، روابط بین فردی)، قابلیت سازگاری و انطباق (حل مسئله، واقع گرایی، انعطاف پذیری)، مدیریت فشار روانی (تکانش فشار روانی و کنترل تکانش)، خلق کلی (خوشبینی و شادمانی) می‌شود به همین دلیل برای بررسی تفاوت دختران و پسران در این مولفه‌ها، برای هر مولفه یک آزمون تحلیل واریانس چند متغیر به ترتیب بر اساس مولفه‌های بیان شده محاسبه شد. نتایج آزمون چند متغیری اثر پیلایی با ارزش $0/025$ ، مقدار $F=1/99$ ، $F=394/5$ و سطح معناداری $p=0/08$ ، در مولفه ی درون فردی نشان داد که بین دو گروه تفاوت معناداری در بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد، علاوه بر این نتایج آزمون تک متغیری برای بررسی تفاوت خرده مقیاس‌ها نشان داد بین خودآگاهی هیجانی ($F=0/09$ ، $p=0/77$)، ابراز وجود ($F=3/38$ ، $p=0/07$)، عزت نفس ($F=0/30$ ، $p=0/55$)، خودشکوفایی ($F=2/10$ ، $p=0/15$) و استقلال ($F=0/06$ ، $p=0/80$) تفاوت معناداری در بین دو گروه دختر و پسر وجود ندارد.

همچنین آزمون چند متغیری اثر پیلائی با ارزش $0/001$ ، مقدار $F=0/138$ ، $3F=396$ و سطح معناداری $p/94=0$ ، نشان داد که بین دو گروه تفاوت معناداری در سه خرده مقیاس همدلی، مسئولیت پذیری، و روابط بین فردی وجود ندارد. آزمون تک متغیری تحلیل واریانس نیز نتایج بدست آمده از تحلیل واریانس چند متغیری را تأیید کرد و نتایج آن نشان داد بین دو گروه دختران و پسران در همدلی ($p/82=0$ ، $F=0/05$)، مسئولیت پذیری ($p/54=0$ ، $F=0/39$)، و روابط بین فردی ($p/83=0$ ، $F=0/05$)، تفاوت معناداری وجود ندارد.

سومین مولفه هوش هیجانی سازگاری و انطباق بود که نتایج آزمون چند متغیری اثر پیلائی با ارزش $0/003$ ، مقدار $F=0/36$ ، $3F=396$ و سطح معناداری $p/78=0$ ، نشان داد که بین دو گروه در این مولفه نیز تفاوت وجود ندارد. آزمون تک متغیری تحلیل واریانس نیز نتایج بدست آمده از تحلیل واریانس چند متغیری را تأیید کرد و نتایج آن نشان داد بین دو گروه دختران و پسران در حل مسئله ($p/72=0$ ، $F=0/13$)، واقع گرایی ($p/30=0$ ، $F=1/07$)، و انعطاف پذیری ($p/63=0$ ، $F=0/23$)، تفاوت معناداری وجود ندارد.

چهارمین مولفه مدیریت فشار روانی بود. نتایج آزمون چند متغیری اثر پیلائی با ارزش $0/001$ ، مقدار $F=0/13$ ، $3F=397$ و سطح معناداری $p/88=0$ ، نشان داد که بین دو گروه در این مولفه تفاوت معناداری وجود ندارد. آزمون تک متغیری تحلیل واریانس نیز نتایج بدست آمده از تحلیل واریانس چند متغیری را تأیید کرد و نتایج آن نشان داد بین دو گروه دختران و پسران در تکانش فشار روانی ($p/72=0$ ، $F=0/13$)، و کنترل تکانش ($p/30=0$ ، $F=1/07$) تفاوت معناداری وجود ندارد.

آخرین مولفه ی هوش هیجانی شامل خلق کلی است که نتایج آزمون چند متغیری اثر پیلائی با ارزش $0/002$ ، مقدار $F=0/39$ ، $2F=397$ و سطح معناداری $p/68=0$ ، نشان داد که بین دو گروه در این مولفه نیز تفاوت معناداری وجود ندارد. آزمون تک متغیری نیز نشان داد بین دو گروه دختران و پسران در خوشبینی ($p/91=0$ ، $F=0/01$)، و شادمانی ($p/44=0$ ، $F=0/60$) تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش عملکرد خانواده بر اساس ۴ مولفه، انسجام (همبستگی، بیانگری، سازماندهی، آرمان خانوادگی و جامعه پذیری)، گسستگی (گسستگی، تعارض، منبع کنترل بیرونی، به هم تنیدگی)، موقعیت فرهنگی-اجتماعی (موقعیت فرهنگی. موقعیت‌های سرگرمی و تاکیدات مذهبی) و سبک‌های والدگری و هوش هیجانی بر اساس دو قابلیت، قابلیت درون فردی (درون فردی و مدیریت استرس و خلق) و قابلیت بین فردی (بین فردی و سازگاری) مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج نشان داد بین سه مولفه‌ی سبک‌های والدگری، انسجام و موقعیت فرهنگی-اجتماعی تفاوت معناداری در بین دو گروه دختر و پسر وجود ندارد، و بین دختران و پسران در مقیاس عملکرد خانواده در خرده مقیاس‌های سبک خانواده مستبد، و گسستگی تفاوت معناداری از نظر اماری وجود دارد و میانگین گروه پسران از گروه دختران بالاتر است. این نتیجه با نتایج پژوهش راسل (۱۹۹۹) و هارت، نیوول و اولسن (۲۰۰۳) همسو بود. شاید به علت ویژگی‌های خاص پسران نظیر سطح بالای جنب و جوش و رفتارهای پرخاشگرانه، گرایش والدین پسران در مقایسه با والدین دختران در برخورد به شیوه مستبدانه بیشتر است. همچنانکه پژوهش‌ها نشان می‌دهد پسرها در مقایسه با دخترها میزان بالاتری از خشم و سرپیچی را نشان می‌دهند (هارت، نیوول و اولسن، ۲۰۰۳؛ به نقل از لورابگ، ۱۳۸۷؛ ترشیزی و سعادتجو، ۱۳۹۱). این امر سبب می‌شود والدین در برخورد با پسران بر اطاعات بی چون و چرا تاکید کرده، در این شرایط یک دور باطل شکل می‌گیرد، برخورد مستبدانه والدین سرپیچی و تضادورزی بیشتر در فرزند و بالتبع استبداد بیشتر از سوی والدین یکدیگر را تقویت می‌کنند. در بحث از گسستگی باید گفت، تعارض و گسستگی برای فرزندان چه دختران و چه پسران پیامدهای منفی به دنبال دارد. با این حال مطابق با نتایج پژوهش میزان گسستگی در گروه پسران بیشتر از دختران بود. شاید به این علت که رفتار پسرها بسیار سرکش است، مادرها، معلمان و همسالان از آن‌ها حمایت عاطفی کمتری می‌کنند. بنابراین به این دلیل تاثیر گسستگی بر پسران بیشتر است (لورابگ، ۱۳۸۷). از طرفی همین حمایت عاطفی کمتر می‌تواند موجب دوری بیشتر پسران از اعضای خانواده گردد.

به علاوه بر اساس نتایج به دست آمده در مولفه‌های هوش هیجانی میان دختران و پسران تفاوتی به دست نیامد. این نتیجه با نتایج برخی پژوهش‌ها از انجمله شیخ‌السلامی و رضویه (۱۳۸۴)، اکبری و همکاران (۱۳۸۶) و صبری و همکاران (۱۳۹۲) همسو بود. در توضیح باید گفت امروزه تفاوت‌های دختران و پسران در استعداد‌های گوناگون در حال کاهش است و با تغییراتی که در نگرش‌های جامعه به وجود آمده است، هر دو جنس از فرصت‌های برابری برای شکوفایی رشد و بروز هیجانات خود بهره مند هستند. اما برخلاف نتایج پژوهش، برودی و هال (۱۹۹۳) در مطالعه خود تحت عنوان: "جنسیت و هیجان" بیان می‌دارند پسرها و دخترها در کنترل هیجان‌های خود درس‌های متفاوتی را فرا می‌گیرند. والدین در مجموع با دختران خود بیشتر از فرزندان پسر خویش درباره هیجان‌ها - به استثنای خشم - صحبت می‌کنند. در مقایسه با پسرها، والدین اطلاعات بیشتری درباره احساسات در اختیار دخترها قرار می‌دهند و این موارد موجب برتری دخترها در مقایسه با پسرها در هوش هیجانی می‌شود (گلمن، ۱۹۹۵؛ ترجمه پارسا، ۱۳۸۰). اما در توضیح می‌توان گفت در این سال‌ها تاکید بر کاهش کلیشه‌سازی جنسی در کودکان خردسال است (مکوبی، ۲۰۰۰؛ به نقل از لورابگ، ۱۳۸۷). این امر والدین را برمی‌انگیزد تا در مقابل دختران و پسران خود به شیوه‌ای یکسان عمل و رفتار کنند. بنابراین با تغییر نوع روابط و تعاملات والدین و فرزندان می‌توان کاهش تفاوت‌ها میان دختران و پسران در هوش هیجانی را انتظار داشت.

منابع

- اکبری، محمد، رضاییان، حمید و مودی، میترا. (۱۳۸۶). بررسی هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه اراک و رابطه آن با اضطراب رایانه. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۳۵، ۱۲۹-۱۳۴.
- برگ، لورا. (۲۰۰۷). روانشناسی رشد. ترجمه‌ی یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران، ۱۳۸۷.
- بشارت، محمدعلی، شالچی، بهزاد و شمسی‌پور، حمید. (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی دانش آموزان. اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳-۴، ۷۳-۸۴.
- تجلی، فاطمه و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۷). تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با واسطه هوش هیجانی نوجوانان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۴(۴)، ۴۰۷-۴۲۲.
- ترشیزی، مرضیه و سعادتجو، علیرضا. (۱۳۹۱). شیوع پرخاشگری و برخی عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان مدارس راهنمایی شهر بیرجند (سال ۱۳۸۸-۸۹). مراقبت‌های نوین فصلنامه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ۴، ۳۵۵-۳۶۳.
- حکیم جوادی، منصور. (۱۳۸۳). بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی در دانش آموزان تیزهوش و عادی. پایان نامه دکتری روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- داوودی، رسول و شکرالهی، محبوبه. بررسی مهارت‌های هیجانی دانشجو-معلمان و عوامل جمعیت شناختی مرتبط با آن. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۲، ۹-۲۸.
- رضوان خواه، مهناز. (۱۳۸۸). رابطه مفهوم خود، ساختار خانواده و نگرش به عملکرد تربیتی والدین در نوجوان. مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱۰(۳)، ۱۷۷-۱۹۶.
- صبری، مصطفی، البرزی، محبوبه، بهرامی، محمود. (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲(۹)، ۳۵-۶۳.
- عسگری، پرویز و روشنی، خدیجه. (۱۳۹۱). مقایسه هوش فرهنگی، هوش هیجانی، سازگاری فردی - اجتماعی دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۱۲، ۴۹-۶۳.

کرامتی، هادی، مرادی، علیرضا، کاوه، م. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روانشناختی فرزندان شاهد. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۴(۱۱)، ۷۵-۵۶.

گاتمن، جان. (۱۳۹۱). پرورش هوش هیجانی در کودکان. ترجمه حمیدرضا بلوچی. تهران: رشد.

گرامی‌زاده، نجمه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

ملایی، عین‌اله، آسایش، حمید، تقوی کیش، بهزاد و قربانی، مصطفی. (۱۳۹۰). تفاوت جنسیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی بویه گرگان، ۲(۸)، ۳۰-۳۴.

Adeyemo, D. A. (2008). Demographic characteristics and emotional intelligence among workers in some selected organizations in Oyo State, Nigeria. *Journal of business perspective*, 12(1), 43- 48.

Bbissessar, c. (2011). Gender, age differences and emotional intelligences: implications for workforce development. Available on: <http://uwispace.Sta.uwi.Edu/dspace/handle/2139/8699>.

David, L., Van Rooy, A. A. & Chockalingam, V. (2004). Group differences and emotional intelligences: implications personality and individual differences, 38(3), 689- 700.

Fitzpatrick, M. A. (2004). The family communication patterns theory: observations on its development and application. *Journal of Family Communication*, 4, 179-167.

Loewenthal, K. M., Macleod, A. K., Goldblatt, v., Lubitsh, G., & Valentine, J. D. (2002). Are woman more religious than man? *Personality and individual differences*, 32, 133- 139.

- Lewandowski, A.; Palermo, T.; Stinson, J.; Handley, S & Chambers, S. (2010). Systematic Review of Family Functioning in Families of Children and Adolescents With Chronic Pain. *The Journal of Pain*, 11(11), 1027-1038.
- Russell, A. (1999). Sex based differences in parenting styles in sample with preschool children. *Australian journal of psychology*, 50(2), 89- 99.
- Wang, C. S., Derfoo, M., Wang, C. V., Wong, P. M. (2007). The feasibility of training and development of EI. *Intelligence*, 35, 141-150.